

کاربردهای تاریخی و جلوه‌های تاریخ محلی کتاب آثار عجم

○ زهرا حامدی

○ عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی داراب

به فرصت و ملقب به **فرصت‌الدوله** ۱۳۳۹ - ۱۳۷۱ ه. ق. نگاشته شده است. این کتاب چندی قبل توسط دکتر منصور رستگار فسایی تصحیح و تحشیه شده است.

فرصت‌الدوله شیرازی بنا به اظهار خود در سال‌های پایانی سلطنت ناصری، یعنی در سال ۱۳۰۷ هجری قمری دستور نقشه‌برداری و تهیه تصاویر از آثار باستانی و نقش‌های قدیمی و تعیین فاصله مناطق از یکدیگر، آنهم عمدتاً در فارس را از مقامات دولتی قاجار دریافت نمود.^۱

براساس آنچه از مطالب کتاب مستفاد می‌شود، فرصت‌الدوله در گام نخست شروع به مسافرت و نقشه‌برداری کرد، لیکن زمانی که یادداشت‌های خود را به تهران فرستاد بنا به دلایلی آن یادداشت‌ها از بین رفت، به همین دلیل پس از مدتی، ظاهراً در ۱۳۱۱ هجری قمری مجدداً اقدام به مسافرت و نگارش در سطحی وسیع‌تر نمود.^۲ سختی و صعوبت قضیه و دوباره‌نویسی با توجه به نداشتن و فقدان مطالب اولیه، بر اهمیت این کتاب افزود.

فرصت در ۱۳۱۴ ه. ق. مطالب کتاب خود را به اتمام رساند.^۳ عنوان کتاب تا حدی معرف محتوا و نوشتار کتاب می‌باشد. آثار عجم از دو بخش تشکیل شده است:

بخش نخست کتاب ضمن آنکه دربردارنده مطالب مختصری درباره عرفا و شعرای عرب و دانشمندان و حکمای ایرانی و یونانی از زمان قدیم است، عمدتاً به معرفی آثار باستانی موجود در فارس اختصاص یافته و آثار و ابنیه موجود در مناطق دیگر، از جمله بوشهر، خوزستان، کرمانشاه، همدان، مازندران، چهار محال و بختیاری، کهگیلویه و بویر احمد و اردبیل را نیز به اختصار توضیح می‌دهد. بخش دوم که نویسنده آنرا «شیرازنامه» نامیده، شامل مطالبی درباره آثار ابنیه، محلات، دروازه‌ها، مساجد، مدارس مذهبی، بقاع، مزارات و شرح حال برخی از دانشمندان، فقها، ادبا، اطباء، صاحبان مشاغل، همچنین خوشنویسان، نقاشان، ادارات و اهل صنعت شیراز است. در بخش آخر کتاب نیز سلاطین و حکام شیراز از زمان امویان - از سال ۷۴ هجری قمری - تا واپسین روزهای سلطنت ناصرالدین شاه یعنی زمانی که فرصت‌الدوله کتاب را به رشته تحریر درآورده، نام برده شده‌اند. چنانکه خود نیز اشاره می‌کند در این خصوص از کتاب **گویینو**^۴ استفاده نموده است. منتهی با توجه به اینکه گویینو در سال‌های نخست سلطنت ناصری (۱۸۵۸ - ۱۸۵۵م) به ایران سفر کرده این مطالب فقط تا همان سال‌ها را دربر می‌گیرد از آن پس تا پایان عصر ناصری را فرصت‌الدوله، با مطالعه منابع و دیده‌ها و شنیده‌های خود تکمیل نموده است.^۵

همانطور که گذشته آثار عجم در ۱۳۱۱ ه. ق. توسط فرصت شروع به نگارش شده، در ۱۳۱۴ ه. ق. به اتمام رسیده و در ۱۳۵۳ ه. ق. یعنی چهارده سال پس از فوت فرصت، برای نخستین بار در بمبئی چاپ گردیده است.^۶

* * *

در مورد بخش نخست کتاب که به موضوع آثار باستانی فارس مربوط می‌شود، نویسنده غرض و هدف خود را از این کار؛ نه اکتشاف آثار مزبور بلکه ثبت و ضبط آن اعلام می‌کند،^۷ کاری که با دقت نظر از سوی وی انجام گرفته است. از محاسن کتاب در این قسمت توضیحات مفصلی است که نویسنده در مورد نقش برجسته‌ها داده است (از جمله اسارت والرین توسط شاهپور ساسانی^۸) وی

امکان شناخت شاخصه‌ها و برجستگی‌های کهن اقوام مختلفی که از دیرباز در جامعه دیرپای ایران می‌زیسته‌اند و از این دست، هیئت فرهنگی مدنی جامعه ما را رقم زده‌اند حائز اهمیت است. از این رو در زمره آثار مکتوبی که در زمینه بررسی ویژگی‌های منحصر به فرد هر منطقه مفید فایده تلقی می‌گردد تاریخ‌های محلی است. گرچه آثار عجم را نمی‌توان تماماً تاریخ محلی دانست، لیکن برخی از ویژگی‌های تاریخ‌های محلی را داراست. در آثار عجم عمدتاً به توصیف آثار باستانی پرداخته شده هر چند بخش «شیرازنامه» آن شایان توجه است.

«آثار عجم توسط محمد نصیر حسینی شیرازی مشهور

- آثار عجم
- تألیف: محمد نصیر فرصت حسینی شیرازی
- تصحیح: دکتر منصور رستگار فسایی
- ناشر: امیر کبیر، چاپ اول، ۱۳۷۷، ج ۲

همچنین کتیبه‌های موجود در آن منطقه را خط به خط ترجمه و عیناً در متن کتاب آورده است و حتی در این باره به منابع اروپایی مانند تاریخ ایران نوشته سرچان ملکم^{۱۱} نیز استناد کرده است. این ویژگی نه تنها ارزش عملی کار مؤلف را نشان می‌دهد، بلکه تبحر او را در ترجمه متون خط میخی نشان می‌دهد هر چند قابل مقایسه با کیفیت و سطح مطالعات امروزی نباشد.

ویژگی‌های برجسته آثار عجم هنگامی آشکارتر می‌گردد که کار فرصت‌الدوله با منابع هم‌عصر خود نظیر فارسنامه ناصری مقایسه گردد. چنانکه در کتاب اخیر فقط توضیحی در مورد نقش برجسته‌ها داده شده و به ندرت کتیبه‌های خوانده شده است. البته نویسنده کتاب یعنی موزا حسن حسینی فسلی، خود نیز اشاره نموده است که «... ترجمه کتیبه‌ها را با نام‌های که به وزیر علوم وقت یعنی علی قلی خان مخبرالدوله نوشته خواسته او نیز چون تسلط به زبان آلمانی نداشت، از یکی از منابع آلمانی اخذ کرده ترجمه و برای بند فرستاد...»

تلاش بی‌گیر فرصت در آموختن خطوط باستانی، آنهم در یکصد و چند سال گذشته مایه بسی تحسین است و مدد حسن او از سیاحان و فرستادگان خارجی اعم از روسی، ایتالیایی، هلندی و آلمانی در فراگیری این خطوط نشان همت والای اوست.

از ویژگی‌های دیگر کار فرصت این است که به‌ویژه در ذکر آثار فارس تنها به نقل خواننده‌ها یا شنیده‌ها بسنده نکرده است بلکه مطالب کتاب حاصل مشاهدات خود او می‌باشد. از جمله دلایل اثبات این مدعا یکی نقاشی و تصویرهای متعددی است که از آثار و ابنیه فراهم آورده دیگری اشاره او به بناهایی است که هم‌اکنون اثری از آنها نیست در حالی که او در کتابش هم از آنها نام برده و هم آنها را به تصویر کشیده است. از جمله «آتشکده آذر جو» در حالی که از آثار مهم شهر داراب است بر بالای این اثر گنبدی را ترسیم کرده^{۱۲} اما هم‌اکنون با گذشت بیش از یک قرن، این گنبد وجود خارجی ندارد. این موضوع برای مطالعات باستان‌شناختی دارای اهمیت است.

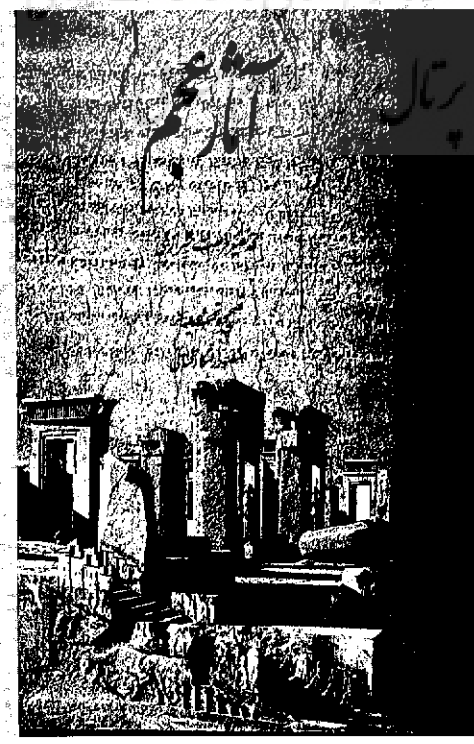
مراجعه نموده است بطوری که در کتاب ذکر می‌کند به کرات از سفرنامه سیاحان روسی انگلیسی و فرانسوی استفاده کرده است.

یکی دیگر از ویژگی‌های برجسته آثار عجم در زمینه آثار باستانی ترسیم و نقاشی نقوش و آثار باستانی اماکن متعددی نظیر تخت‌جمشید، فیروزآباد، داراب و... است. بالطبع ارائه مطالب به همراه تصاویر، فهم مطلب را سهل‌تر و مطالعه کتاب را شوق‌انگیزتر و مطلوب‌تر می‌ساخت.

و از آنجا که امکان مسافرت در آن زمان برای همگان به

در آثار عجم عمدتاً به توصیف آثار باستانی پرداخته شده هر چند بخش «شیرازنامه» آن شایان توجه است

فرصت‌الدوله شیرازی در سال‌های پایانی سلطنت ناصری، یعنی در سال ۱۳۰۷ هجری قمری دستور نقشه برداری و تهیه تصاویر از آثار باستانی و نقش‌های قدیمی و تعیین فاصله مناطق از یکدیگر، آنهم عمدتاً در فارس را از مقامات دولتی قاجار دریافت نمود



سهولت وجود نداشت و عکسبرداری و فن عکاسی نیز هنوز متداول نشده بوده تصاویر نقاشی شده کتاب، ارزش و اهمیت فراوانی به کتاب می‌بخشید.

در هر صورت به لحاظ شناسایی و بررسی آثار باستانی آثار عجم نسبت به منبع هم‌زمان خود فارسنامه ناصری مطالب مفصل‌تری دارد. نکته دیگری که فرصت در کتاب خود به آن پرداخته این است که جنود و فاصله مناطق را از یکدیگر، به‌ویژه در فارس، تهیه و درج نموده است.^{۱۳} هر چند با مسافت‌های کنونی تفاوت‌هایی دارد لیکن نظر به مقیاس‌هایی که در دست داشته و با توجه به توسعه شهرها تا زمان حاضر، مسافت‌هایی که ذکر می‌کند قریب به صحت است.

بخش دوم: شیرازنامه
در قسمت شیرازنامه آثار و ابنیه مدارس مله‌بی، مساجد، محلات دروازه‌ها، رجا، نام‌آور، مزارات و... را در شیراز ذکر می‌کند. فرصت در کتاب از شخصی به نام میرزا احسن حسینی فسلی، مؤلف کتاب فارسنامه ناصری نام می‌برد. وی فرزند این شخص محتوای کتابش شامل فحوال سلاطین، وزراء، حکماء، علماء، بلوکات و قرای فارس... است.^{۱۴} چنین به نظر می‌رسد که فرصت برخی از مطالب بخش شیرازنامه کتاب خود را از کتاب مذکور اخذ کرده باشد.

مساجد:
فرصت‌الدوله در آثار عجم نام پنجاه مسجد را که در آن زمان در شیراز وجود داشته ذکر می‌کند.^{۱۵} و در مورد مساجدی که در دوران قبل بنا شده، بودند تغییر جامع عقوف، نو و وکیل توضیحات بیشتری ارائه می‌دهد. فرصت محله هر مسجد را نام می‌برد.^{۱۶} که بدین واسطه می‌توان تشخیص داد که هر محله‌ای چه تعداد مسجد داشته است. از این جهت منبع ارزشمندی در شناسایی مساجد شیراز در دوران معاصر به شمار می‌رود. در فارسنامه ناصری نام بیست مسجد آورده شده و اطلاعات مختصری در خصوص آنها ذکر شده است.^{۱۷}

فرصت به شیوه معماری مساجد نمی‌پردازد. شاید اگر در این زمینه مطلبی ارائه داده بود. مآخذی مهم در تاریخ معماری مساجد به شمار می‌رفت. ظاهراً تنها ثبت آثار باستانی در حیطه فعالیت او بوده است.

تکایا:
در قسمت تکایا فرصت اطلاعات مبسوطی در مورد عرفا، به‌ویژه عرفای شیرازی که در دوران قبل از وی می‌زیستند ارائه داده است.^{۱۸}

مدارس:
منظور نویسنده در این مورد، مدارس است که طلاب در آن درس طلبگی می‌خوانند.
شایان ذکر است که فرصت در سال ۱۳۲۶ هـ. ق. برتیس اداره معارف فارس بوده است.^{۱۹} یعنی یازده سال پس از تأسیس انجمن معارف و مدارس جدید در تهران و نزدیک به سه سال بعد از تأسیس مدارس مشابه در شیراز و فرصت از انجمن معارف و فعالیت‌های معارف دوستان در تأسیس مدارس در فارس اطلاع داشته و در دیوان اشعارش نیز اشاره کرده است که در زمان ریاستش، مدارس جدید دیگری در شیراز تأسیس شدند.^{۲۰} لیکن نکته مهم این است با توجه به اینکه کتاب آثار عجم سال‌های بعد از نگارشش، به چاپ رسیده. (حدود ۳۹ سال) ضمیمه یا الحاقی در خصوص مدارس جدید در فارس یا لااقل در شیراز (در فاصله نگارش تا چاپ) صورت

نگرفته که جای آن در کتاب خالی به نظر می‌رسد.

علما و فقهایی شیرازی:

در آثار عجم عمدتاً نام علما و فقهایی هم‌عصر نویسنده ذکر شده است. در مورد میرزای شیرازی (صاحب فتاوی تحریم تنباکو) که حیات آن مقارن حیات نویسنده بود، بیش از سایرین مطلب آمده است.^{۲۶} تفاوت این قسمت از کتاب فرصت با فارسنامه هر این است که فقهایی، دربار علمایی که قبل از دوران مورد نظر نیز در قید حیات بوده‌اند، مطالب مفصل‌تری ذکر کرده که از این نظر فارسنامه شرح بیشتری دارد.^{۲۷}

باغات:

در این کتاب باغات به دو بخش تقسیم شدند: ۱- آنهایی که در داخل شهر قرار داشتند.^{۲۸}

بر اساس مطالب کتاب باغ‌هایی که در خارج شهر بودند همگی هم‌اکنون جزء شهر شیراز شده‌اند که «باغ ارم» یکی از آنها است. «عقیق آباد»، «دلگشا» و «باغ تخت» از جمله باغ‌های دیگر شیراز هستند.^{۲۹}

ادارات شیراز:

فرصت مطالب بسیار مجلود و مختصری در مورد اداره‌های شیراز ذکر کرده است. از جمله اطلاعاتی که وی ارائه نموده اینکه معتقد است توپخانه به اسلوب و روش اطربینی ایجاد شده است.^{۳۰} اما با توجه به اینکه در عصر قاجار، از زمان ناصرالدین شاه امتیاز قزاقخانه و نظم و ترتیب بخشیدن به قشون، به روسها داده شد و علی‌رغم دعوتی که از اطربینی‌ها برای یازسازی ارتش به عمل آمد و آنها نیز به دلیل حضور و فعالیت روس‌ها در ایران، از کار در ایران خودداری کردند و به کشور خود بازگشتند.^{۳۱} بنابراین بعید به ظن می‌رسد که الگوی ما، در زمینه توپخانه کشور اطربینی بوده باشد. همچنین از عنوان «ادارات» چنین انتظار می‌رود که فرصت به معرفی و بررسی مشاغلی بپردازد که از لابه‌لای آن بتوان بر ساختار اداری - مالی وقوف یافت، لیکن چنین نیست فارسنامه در این خصوص اطلاعات بیشتری در اختیار می‌نهد به طوری که با اشاره به مشاغلی نظیر «مسئوفی‌گری» (استیفاء)، «شکر توبیسی»، «مسئول نظارت بر بنیچه اصناف و کسبه شیراز» و ذکر اسامی خانواده‌هایی که چنین شغل‌هایی داشتند،^{۳۲} اطلاعاتی در خصوص مسائل مالی - اداری شیراز به دست می‌دهد.

شعرای فارس:

فرصت شعرای فارس، به‌ویژه آنهایی که هم‌عصر خودش بودند را معرفی کرده و قطعاتی از اشعار آنان را ذکر کرده است. از آنجا که او خود طبع شعر و شاعری داشته به این موضوع با تفصیل بیشتری پرداخته است. در جای جای کتاب هر جا به نام یکی از مشاهیر متعلق به یکی از مناطق فارس اشاره می‌کند اگر ذوق شاعری داشته، به‌طور حتم ذکر کرده است.^{۳۳}

چند نکته مهم:

الف - منابع کتاب:

منابع مورد استفاده فرصت‌الدوله در نگارش کتاب براساس آنچه خود ذکر نموده شامل موارد زیر است^{۳۴}

- وفیات الاعیان / ابن خلکان
- ناسخ‌التواریخ / میرزا تقی خان لسان‌الملک
- روضة الصفا / میرخواند
- روضة الصفا / ناصر / رضا قلی خان هدایت
- حبیب السیر / خواندمیر
- مجالس المؤمنین / میر نورالله شوشتری.
- مطلع‌المولود / واجد علی هوکلی هندوستانی

○ ریاض‌المارفین / رضا قلی خان امیرالشعراء

○ نقحات الحسن / عبدالرحمن جامی

○ طر فالآزهار / عبدالله عبدی میدنی

○ مجمع الفصحاء / رضا قلی خان

○ لب‌السیر / ابوطالب تبریزی

○ بستان السیاه / زین‌العابدین شیروانی

○ شجرة الیهیبه

احتمالاً مؤلف از منابعی نظیر فارسنامه ابن بلخی، «نزهة القلوب

حمدا... مستوفی، فارسنامه ناصری، میرزا حسن حسینی فسائی،

ب - نثر کتاب:

نثر کتاب همان نثر متداول دوره قاجاریه است و عبارات سجع‌گونه در آن زیاد بکار رفته است. هر چند فرصت‌الدوله خاطر نشان می‌شود که تلاش او در استفاده از عبارات ساده بوده است.^{۳۵}

تلاش پی‌گیر فرصت‌الدوله در

آموختن خطوط باستانی، آنهم در

یکصد و چند سال گذشته مایه

بسی تحسین است و مددجستن او

از سیاحان و فرستادگان خارجی اعم از

روسی، ایتالیایی، هلندی و

آلمانی در فراگیری این خطوط نشان

همت والای اوست

یکی دیگر از ویژگی‌های برجسته

آثار عجم در زمینه آثار باستانی،

ترسیم و نقاشی نقوش و آثار باستانی

اماکن متعددی نظیر تخت جمشید،

فیروزآباد، داراب و... است

تذکرات مهم

در بخش شیرازنامه آثار عجم چنین انتظار می‌رود که نویسنده با توجه به حاکمیت خاندان قوام در این زمان، تصویری از مسائل اجتماعی - سیاسی دوران حیاتش ارائه دهد. در این زمان سمت بیگلریگی شیراز را حبیب... خان قوام^{۳۶} برعهده داشته است، اما نویسنده در قسمت‌های مختلف کتاب از او به احترام یاد کرده و غیر از تعریف و تمجید از وی و دیگر قوم‌های، مطلب دیگری به چشم نمی‌خورد. به همین دلیل در این خصوص آثار عجم اطلاعاتی درباره وضعیت شیراز در زمان قدرت قوامی‌ها ارائه نمی‌دهد.

نویسنده کتاب به احتمال زیاد منابع متعددی را مطالعه کرده اما در قسمت‌های مختلف کتاب با آوردن عبارتی چون «گویند»^{۳۷} یا «در بعضی کتب دیده‌ام»^{۳۸} منابع مورد استفاده خود را واضح و روشن نام نمی‌برد. به طور نمونه در بخش بقاع متبرکه، ضمن ذکر بقعه سید علام‌الدین حسین می‌نویسد: «بعضی نوشته‌اند»^{۳۹}، در صورتی که در فارسنامه ناصری در همین رابطه به کتاب مؤلفات شیراز استناد شده است.^{۴۰} هر چند این نکته را نیز نیابستی از نظر تور داشت بر زمانی که فرصت کتاب خود را می‌نگاشته هنوز رسم آوردن منابع و مأخذ به شکلی که امروزه رایج است مرسوم نبوده و نمی‌توان آنرا از نقاط ضعف کار فرصت دانست، لیکن در مقایسه با مأخذ هم‌زمان او یعنی فارسنامه ناصری جای تأمل دارد.

آثار عجم اطلاعات مبسوطی در مورد شخصیت‌ها و فضایی فارس و عرفای شیراز ارائه می‌دهد. به همین جهت در نگارش احوال رجال نام‌آور در دوران مختلف، کتاب مورد نظر، منبع بسیار مفیدی است.

کتاب آثار عجم از جمله منابع نادر فارسی‌زبان عصر قاجار است که حروف و واژگان خط میخی را جزء به جزء با معنای فارسی آن آورده است. فرصت‌الدوله برخی اظهارنظرهای عامه مردم در موارد

کتاب از دو بخش تشکیل شده است. بخش نخست کتاب ضمن آنکه در بردارنده مطالب مختصری درباره عرفا و شعرای عرب و دانشمندان و حکمای ایرانی و یونانی از زمان قدیم است، عمدتاً به معرفی آثار باستانی موجود در فارس اختصاص یافته و آثار و ابنیه موجود در مناطق دیگر، از جمله بوشهر، خوزستان، کرمانشاه، همدان، مازندران، چهار محال و بختیاری - کهگیلویه و بویر احمد و اردبیل را نیز به اختصار توضیح می‌دهد

مختلف که بعضاً کاملاً بی‌اساس بوده را رد می‌کند و در مقابل به پژوهش‌ها و نظر محققان خارجی استناد می‌نماید. در این خصوص می‌توان به نظر عامه در مورد مقبره کورش^{۵۵} و حوض ماهی^{۵۶} واقع در آرامگاه سعدی اشاره نمود که توسط فرصت صریحاً رد می‌شود.

مطالعه و استفاده از منابع ایرانی و خارجی توسط فرصت‌الدوله بر غنای مطالب کتاب آثار عجم افزوده است.

در عهدی که فرصت روزگار را به سر می‌برد، عمدتاً خارجیان و همان فرستادگان کشورهای بیگانه بودند که به زبان‌های باستان توجه داشتند و ندرتاً از طرف ایرانیان به فراگیری این زبان‌ها پرداخته می‌شد. لیکن تلاش فرصت در یادگیری زبان‌ها و خطوط باستان و توجه به آن بسیار قابل توجه و ارزشمند است.

سخن آخر:

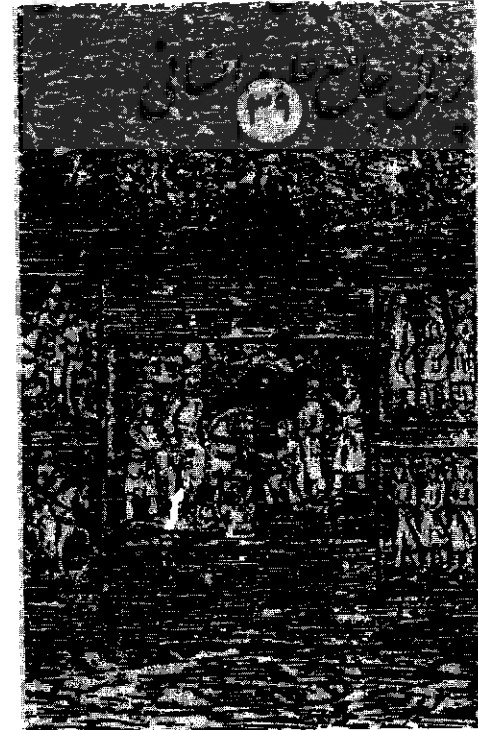
از راه‌های انتقال آنچه در گذشته حادث شده به آیندگان، وجود منابع مکتوب است. اهمیت منابعی چون آثار عجم آنجا خود را بیشتر نشان می‌دهد که همواره خطر فراموشی و نابودی دستاوردهای فرهنگی - مدنی وجود داشته است. لذا به ثبت رساندن آنها اقدامی ارزشمند تلقی می‌شود. نویسنده محترم آثار عجم در نگارش آثار بر جای مانده و به تصویر کشیدن مشاغل گروه‌های مختلف اجتماعی و رجال نامی شیراز نهایت تلاش خود را داشته است و اثری ارزشمند و کاربردی در این خصوص به یادگار گذاشته است.

پی نوشت‌ها:

- ۱- محمد نصیر فرصت حسینی شیرازی: آثار عجم، جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۷، ص ۴۳.
- ۲- فرصت شیرازی، پیشین، جلد اول، ص ۲. ظاهراً شخصی که یادداشت‌ها را می‌بایست دریافت کند در آن زمان در قید حیات نبوده است و مطالب فرستاده شده به همراه اسباب و لوازم زندگیش ضبط می‌شود (همان منبع، همان صفحه)
- ۳- همان، مقدمه مصحح، ص ۹۵.
- ۴- همان، ص ۱۰۰.
- ۵- همان، صص ۱۰۰ - ۹۶.
- ۶- همان، جلد دوم، صص ۹۸۱ - ۹۶۷.
- ۷- ژوزف آرتور کنت دوگوبینو، فرستاده کشور فرانسه در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه به ایران بود. حاصل سفر او کتابی است بنام سه سال در آسیا ۱۸۵۸-۱۸۵۵ م که توسط عبدالرضا هوشنگ مهدوی ترجمه شده است. ترجمه دیگری تحت عنوان سه سال در ایران توسط ذبیح‌الله منصوری صورت گرفته و قبلاً چاپ شده است. در ترجمه دو کتاب جدول‌هایی که فرصت‌الدوله از آن نام برده، مشاهده نشده است. و این احتمال وجود دارد که در نسخه به زبان اصلی کتاب جدول آمده باشد. ر. ک. سه سال در آسیا، کنت دوگوبینو، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، چاپ اول، تهران: کتاب سرآه ۱۳۶۷. همچنین ر. ک. سه سال در ایران، کنت دوگوبینو، ترجمه ذبیح‌الله... منصوروی. تهران: انتشارات فرض و فاقد سال.
- ۸- ر. ک. فرصت شیرازی، پیشین، جلد دوم، صص ۹۸۱ - ۹۶۷.
- ۹- همان، مقدمه، ص ۱۰۸.
- ۱۰- همان، مقدمه، ص ۴۳.

- ۱۱- همان، جلد دوم، ص ۴۷۷.
- ۱۲- همان منبع، همان صفحه. سرچان ملکم فرستاده سیاسی انگلیسی در عقد قرارداد با ایران در عصر فتحعلی‌شاه بوده است.
- ۱۳- میرزا حسن حسینی فسایی: فارسنامه ناصری، تصحیح دکتر منصور رستگار فسایی، جلد دوم، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۷، ص ۱۵۲۷.
- ۱۴- فرصت شیرازی، پیشین، جلد اول، ص ۱۶۹.
- ۱۵- همان، ص ۲۲۰ به بعد و در مورد دخمه‌ها صص ۳۲۵ - ۳۲۰.
- ۱۶- همان، جلد دوم، ص ۶۴۵.
- ۱۷- همان، جلد دوم، ۶۷۹.
- ۱۸- همان، جلد اول، ص ۳۷۸. همچنین در همین جلد مسافت‌های دیگری را نیز ذکر کرده است.
- ۱۹- همان، ص ۱۳۹.
- ۲۰- همان، جلد دوم، صص ۷۴۴ - ۷۲۰.
- ۲۱- همان، جلد دوم، همان صفحات.
- ۲۲- میرزا حسن حسینی فسایی، پیشین، جلد دوم صص ۱۲۱۹ - ۱۲۰۵.
- ۲۳- فرصت شیرازی، پیشین، جلد دوم، صص ۸۱۵ - ۷۷۷.
- ۲۴- همان، مقدمه مصحح ص ۵۴.
- ۲۵- همان، مقدمه مصحح ص ۵۶.
- ۲۶- فرصت شیرازی، پیشین، جلد دوم، صص ۸۷۰ - ۸۶۸.
- ۲۷- میرزا حسن حسینی فسایی، پیشین، جلد دوم، صص ۱۱۳۶ - ۱۱۵۳.
- ۲۸- فرصت شیرازی، همان. جلد دوم، صص ۸۶۵ - ۸۳۰.
- ۲۹- همان منبع، همان صفحات.
- ۳۰- همان، جلد دوم، ص ۸۷۸.
- ۳۱- عبدالرضا هوشنگ مهدوی: تاریخ روابط خارجی ایران، جلد

پیروزی شاهپور ساسانی بر والرین- نقاشی فرصت‌الدوله



- اول، چاپ اول، تهران انتشارات امیرکبیر ۱۳۶۷.
- ۳۲- میرزا حسن حسینی فسایی، پیشین، جلد دوم، صص ۱۰۷۴ - ۱۰۸۹.
- ۳۳- فرصت شیرازی، پیشین، جلد دوم صص ۹۲۵ - ۹۰۰.
- ۳۴- همان، جلد اول، ص ۶۰.
- ۳۵- ر. ک. به. سرچان ملکم: تاریخ ایران، ترجمه میرزا حیرت، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۲.
- ۳۶- ر. ک. به. کنت دوگوبینو: سه سال در آسیا، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، چاپ اول، تهران: کتاب سرآه ۱۳۶۷.
- ۳۷- فرصت شیرازی، همان، جلد اول، مقدمه نویسنده صص ۱۰ - ۹.
- ۳۸- همان، جلد اول، ص ۶۱ - ۲۶۰.
- به طور نمونه می‌توان آیه‌ای را که در ارتباط با لقمان است ذکر کرد... و لقد آتینا لقمان الحكمة «هر آینه به تحقیق که عطا فرمودیم حکمت را به لقمان». ر. ک. به آثار عجم، جلد اول، ص ۶۱.
- ۳۹- حدیثی از حضرت پیامبر(ص)، در مورد ارسطو آورده شده به این مضمون: انه بنی ضیعه قومه» به این معنی که ارسطو پیغمبری است که قوم او، او را ضایع کردند. یعنی معنی کلامش را ندانستند. ر. ک. به آثار عجم ج اول، ص ۶۵.
- ۴۰- واژگانی نظیر بلد. قطاع الطریق، متارب - تصانیف - غیر ذلک - ساطع - لامع و نظایر آن در کتاب آورده شده است. ر. ک. به آثار عجم، جلد اول، صص ۲۱۵ - ۷۹ - ۷۶ - ۷۳.
- ۴۱- از جملات عربی که در کتاب آمده عبارتند از: «الحكمة مفتاح السعادات» ر. ک. فرصت شیرازی، جلد اول، ص ۳۲۷. و از جملات دعائیه عربی «بالله التوفیق و علیه التکلان» ر. ک. به: فرصت شیرازی، همان جلد ص ۲۶۱. از اشعار عربی نیز شعری از زهیرابن ابی سلمی نقل کرده است «من ام اوفی دمنة لم تکلم بحومانة الدراج فالمتلم» ر. ک. فرصت، همان جلد، ص ۱۰۲. همچنین از سیوطی در ص ۲۶۱ و فرزدق در ص ۱۰۴ اشعاری ذکر شده است.
- ۴۲- فرصت، جلد اول، ص ۶۷.
- ۴۳- همان، ص ۱۹۰.
- ۴۴- همان، ص ۷۱.
- ۴۵- همان، ص ۴۰۷.
- ۴۶- همان، ص ۳۳۱.
- ۴۷- همان، ۳۲۴.
- ۴۸- همان، صص ۴۳۷ - ۴۲۶.
- ۴۹- همان، صص ۷۱۷ - ۷۱۴.
- ۵۰- همان، صص ۳۷۸.
- ۵۱- همان، جلد دوم، ص ۷۵۲.
- ۵۲- همان منبع، همان صفحه.
- ۵۳- همان منبع، ص ۷۵۷.
- ۵۴- میرزا حسن حسینی فسایی، پیشین، ص ۱۱۸۸.
- ۵۵- فرصت شیرازی، همان، صص ۷۹ - ۳۷۸، فرصت از دهی در ۲۵ فرسخی شمال شرقی بنام «شهید مادر سلیمان» نام می‌برد و اینکه در نزدیکی آن ده بقعه بوده از سنگ که نظر عامه چنین بوده است که قبر مادر سلیمان است اما فرصت نظر عامه را رد می‌کند و نظر مورخین فرهنگی را می‌آورد که آن بنا، مقبره کورش بوده است.
- ۵۶- همان، جلد دوم، صص ۷۰۷ - ۷۰۶. در مورد حوض ماهی مردم معتقد بودند آب آن سنگین است اما فرصت نظر دانشمندان خارجی که بر علم شیمی مطالعاتی داشته را می‌آورد که در مورد آب توضیح داده بودند که هر چه با آن آب پخته شود، چند دقیقه نسبت به آبهای دیگر زودتر پخته می‌شد و فرصت نظر عامه را رد و نظر آن دانشمندان را پذیرفته است.